



دوم سپتمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

امریکا بار دیگر اشتباه بزرگ را در افغانستان تکرار کرد!

(قسمت سوم)

قرار بود قسمت آخر این نوشته را امروز به نشر برسانم، اما چندساعت قبل مقاله مهمی نظرم را جلب کرد در مورد روابط آینده طالبان و داعش (شاخه خراسان) مطالب دلچسپی را در محتوی داشت. لذا لازم دیدم این مقاله را که توسط "انتونیو جوتساری" تحت عنوان "آیا طالبان و شاخه خراسان داعش جنگ دیگری را آغاز خواهند کرد؟" نوشته شده و در صفحه "ناظران چه میگویند" در ویبسایت فارسی/دری بی بی سی بتاریخ 2 سپتمبر 2021 نشر شده است، در این قسمت جا دهم تا تکلمه باشد بر عنوان فرعی "عکس العمل فوری داعش در برابر طالبان و امریکا" که در قسمت دوم مقاله دو روز قبل من در این پورتال به نشر رسید و در آن به این نکته اشاره نمودم که یکی از دلایل عمده حمایت امریکا از طالبان و تلاش برای به قدرت رساندن آنها همانا استفاده از نیروی طالبان بر علیه داعش در افغانستان بود. همچنان در این ارتباط سوالی را مطرح کردم که: آیا بین طالبان و داعش چنان فاصله فکری وجود دارد که طالبان به مقابل داعش داخل جنگ و مبارزه شوند و یا اینکه برعکس طالبان و یا یک قسمتی از آنها با داعش در ارتباط نزدیک میباشند و اگر تعدادی از طالبان بخواهند با داعش درگیر شوند، دو دستگی آنها ممکن است به نفع داعش تمام شود و احتمال دارد یک قسمت طالبان که به گروه حقانی مسمی میباشند، جانب داعش را بگیرند.

انتونیو جوتساری در مقاله فوق الذکر خود در این مورد نکات مهمی را بیان کرده است که اینک به دلیل اهمیت آن جهت مزید معلومات تقدیم خوانندگان عزیز میگردد:

جوتساری در آغاز مقاله خود می نویسد: «گروه ولایت خراسان در ننگرهار مستقر است، در اطراف مسیرهای قاچاق مواد مخدر و انسان به مقصد و از مبداء پاکستان. اگرچه شاخه خراسان داعش (ISKP)، هرگز عملاً فعالیت‌های خود را تعلیق نکرد، اما تنها زمانی از منظر عمومی ناپدید شد که شروع به هدف قرار دادن افغان‌ها (غیر نظامی‌ها، ماموران دولتی و طالبان) کرد. حمله به میدان هوایی کابل روز 26 اگست یادآور این بود که این گروه جایی نرفته است. در واقع، با آشوب نسبی که در پی فروپاشی دولت جمهوری اسلامی افغانستان صورت گرفت، به نظر می‌رسد گروه خراسان توانست حضور خود را در کابل و برخی مناطق مجاور مانند ولایت لوگر تقویت کند.»

او در ادامه می افزاید: «طالبان تایید می‌کنند که این گروه در کابل قوی‌تر شده است و 200 تا 300 نیروی جنگجو دارد. شاخه موسوم به خراسان داعش پیش از این هم در کابل حملاتی انجام داده و مهاجمانی را با مأموریت ترور از خارج از افغانستان فرستاده بود و به حمایت شبکه پشتیبانی و اطلاعاتی محدودی وابسته بود که غالباً از "هیأت فدائی شبکه حقانی" دریافت می‌کرد. این گروه ادعا می‌کرد که حملات را تیم‌های ترور هدفمند متعلق به گروه‌های حقانی مانند کاروان ابو عبیده انجام می‌دادند. اکنون اما برای نخستین بار نیروی ضربتی واقعی خودش را دارد. طالبان همچنین تایید می‌کنند که وقتی به کابل آمدند، ناخواسته اجازه دادند که بسیاری از اعضای گروه خراسان از زندان آزاد شوند، و جز چند تن از آنها، بقیه را نتوانستند شناسایی کنند. برخی اعضای مهم آن ظاهراً به دست طالبان اعدام شدند و بنا به گفته گروه خراسان، دست‌کم یک نفر اعدام شده است. اسلم فاروقی، رهبر پیشین داعش شاخه خراسان در افغانستان، همچنان در بازداشت طالبان است. دست‌کم 1800 نفر از این گروه از زندان آزاد شدند و اکثراً دوباره به گروه خراسان پیوستند، این امر موجب شد جایگاه گروه خراسان که زمانی به سختی می‌توانست نیرو جذب کند، ارتقاء یابد. با حضور تازه واردان، گروه خراسان در افغانستان تقویت شد و شمار نیروهای آن به علاوه نیروهای حامی آن در شرق این کشور به 9500 نفر رسیده است. منطقه "جرم" بدخشان، یکی دیگر از مناطق اصلی این گروه است. به علاوه آن، شاخه خراسان حدود احتمالاً 1500 نفر نیروی حامی و ذخیره در پاکستان دارد. برخی گروه‌های جهادی که زمانی به القاعده و طالبان نزدیک بودند، در سال‌های اخیر به گروه خراسان نزدیک‌تر شدند، از جمله جماعت امام بخاری از بکی و برخی گروه‌های ایغور از این موارد است. در کل، این گروه‌ها می‌توانند چند صد جنگجوی دیگر به این گروه اضافه کنند.»

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

جوتسازي در ادامه مي افزايد: «شاخه موسوم به خراسان داعش، نيروي شورشي مهمي است، اکنون در مقابل طالبان قرار گرفته که در آستانه سقوط کابل حدود 85 هزار جنگجوی سازمان يافته داشته اند و احتمالاً تاکنون شمار نيروهاي آن به نحي افزايش يافته است. هرچند، نيروي طالبان در سراسر افغانستان يک سر دارد و هزار سودا و بسياري از آنها به ويژه در کابل براي امنيت شهرها گمارده شده اند. همچنين طالبان هزاران نفر را اطراف دره پنجشير که جنگ هنوز در آنجا ادامه دارد مستقر کرده اند.»

او در عين حال به مشکلات داخلي طالبان اشاره کرده مي نويسد: «طالبان مشکلات و چالش هايي در بين خودشان هم دارند که مقابله با گروه خراسان را براي آنها دشوار کرده است. در شرق کشور، در رده هايي از طالبان، شمار قابل توجهي هستند که يا با گروه خراسان احساس همدلي دارند يا آن را به عنوان وسيله موثري براي تحت فشار قرار دادن رهبري مي بينند. آنها تلاش مي کنند پشتون هاي شرقي نمايندگي قوي تري در رده بالا داشته باشند. از اين رو، آنها انگيزه کمي براي مقابله با گروه خراسان دارند. بسياري از اعضاي گروه خراسان اعضاي پيشين طالبان هستند و موقعيت خوبي براي جلب و جذب طالب هاي ناراضي دارند. اخيراً حدود 70 طالب در ننگرهار به گروه خراسان پيوستند و حدود 100 نفر يا بيشتر ظاهراً در حال مذاکره براي پيوستن هستند. اين شمار، اندک است با اين حال، با توجه به اينکه کابل دو هفته پيش به دست طالبان سقوط کرد، چشمگير است.»

جوتسازي در مورد روابط گروه حقاني با داعش و ميانه حساس او با طالبان مي نويسد: «اين روزها اکثر طالبان در شرق کشور تمايل دارند که گرد سراج الدين حقاني جمع شوند. اگر دليل ديگري نداشته باشد يک دليل اين است که در سطح رهبري طالبان فرد مهمي ديگري از شرق ندارند. "شوراي پيشاور" طالبان که زماني قدرتمند بود، در سال 2016 به دليل فقدان بودجه از هم پاشيد و يک خلاء بزرگ به جا گذاشت که شبکه حقاني تلاش کرده که آن را پر کند. فرماندهان طالبان که حامی حقاني ها هستند، اکثراً در شرق و جنوب شرق اما برخي نيز در شمال شرق، کنترل حدود 30 تا 35 فيصد از جنگجويان طالبان را در دست دارند. بسياري از جنگجويان خارجي مرتبط به القاعده، به حقاني ها نزديک ترند تا به رهبري طالبان در جنوب. زماني که طالبان کابل را تصرف کردند اين گروه ها 20 هزار جنگجو داشتند اما اکثر آنها اخيراً از پاکستان (که به لشکر طيبه و لشکر جنگوي تعلق دارند) داوطلبانه وارد شدند که احتمالاً به زودي به خانه باز خواهند گشت. با رفتن آنها حدود 4 تا 5 هزار عضو طالبان پاکستاني (TTP) که چون با دولت پاکستان مي جنگند به آنها روي خوش نشان داده نمي شود، و چند هزار عضو القاعده و گروه هاي وابسته غالباً آسياي مرکزي، همراه با ايغورها و شماری ديگر باقي خواهند ماند. به نظر مي رسد راهبرد گروه خراسان ايجاد يک شکاف بين اعضاي ناراضي طالبان در شرق و رهبران شان در جنوب است تا بر اين واقعيت تاکيد کنند که پشتون هاي شرق جايبگاه مهم تري در گروه خراسان دارند تا در ميان طالبان. در واقع، جايبگاه هاي بالا در گروه خراسان در دست پاکستاني هاست اما پشتون هاي شرق نقش مهمي در آن بازي مي کنند. گروه خراسان همچنين پذيراي طالبان تاجيک در شمال شرق هستند و اين موضوع نشان مي دهد که چطور گروه خراسان واقعاً يک گروه چند قومي است و عاري از تعصب پشتوني. شمار رو به افزايش طالبان تاجيک قابل ملاحظه است. طالبان از يک و تاجيک حدود 15 فيصد نيروهاي طالبان تشکيل مي دهند، بنا بر اين نارضايتي آنها، مسئله جدی براي رهبري است.»

جوتسازي در پايان مقاله خود به اين باور است که: «حمله به ميدان هوائي کابل، نمونه روشني از اين راهبرد است: گروه خراسان با حمله به کابل، ضعف تمهيدات طالبان براي حفاظت از کابل را برجسته کرد. اين موضوع به سبب رقابت بين حقاني هاست که کابل را گرفتند و طالبان جنوبي که بعد از آن وارد شدند و تلاش مي کنند قدرت را به دست گيرند. ساختارهاي مختلف امنيتي يکديست عمل نمي کنند و حتی به نظر نمي رسد که همکاري چندان داشته باشند. اين حمله، طالبان را وادار مي کند که مسئله را به نحي حل کنند، نيروهاي امنيتي کابل را يکپارچه کنند و احتمالاً اين موضوع به تنش بين حقاني ها و طالبان جنوبي بيفزايد. گروه خراسان، شکافها بين سازمان طالبان را شناسايي کرده و بي رحمانه به آنها ضربه خواهد زد. طالبان در حال حاضر در موقعيت ضعيفي قرار دارند و نمی توانند واکنش درستي نشان دهند. گروه خراسان هم ديگر آسيب پذير نيست و همچنين تصرف مناطق بيشتر از دست طالبان را نيز در سر ندارد. چيزي که مشخص نيست اين است که گروه خراسان از کجا منابع مالي خود را تامين مي کند. جريان رساندن پول از طرف رهبران "خليفه" در خاورميانه ادامه دارد اما به نظر مي رسد پول اين گروه در حال حاضر بيش از اينهاست و مايه تعجب است که رهبري مرکزي داعش اين حد پول داشته باشد که به آنها بدهد. شايد، گروه خراسان در حال موقعيت يابي است تا از ثمرات بادآورده رقابت هاي منطقه اي که همچنان افغانستان را تحت تاثير دارد، بهره برداري کند.»

د پانو شميره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکني د ليکنيزي ښي پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رليولو مخکي په څير و لولئ

این بودمتن مقاله انتونینو جوتسازى تحت عنوان "آيا طالبان و شاخه خراسان داعش جنگ ديگرى را آغاز خواهند کرد؟" که در صفحه "ناظران چه ميگویند" در وييسايت فارسى/درى بى بى سى همين امروز(2 سپتمبر 2021) به نشر رسیده است. از ورای این مقاله ميتوان به یک تعداد نکاتى درباره روابط فعلی طالبان با داعش و حلقات موافق و مخالف در بين آنها پی برد. اينکه این روابط در آینده چگونه شکل خواهد گرفت و براوضاع افغانستان بعداً چه اثر خواهد گذاشت و دراین میان نقش امريکا در منازعه طالبان و داعش چگونه خواهد بود، سؤالهاى است که پيشبيني جواب آن بطور دقيق در این موقع دشوار است. اما اگر امريکا بخواهد برای حمايت از طالبان به سرکوبى داعش صرف به بوسيله حملات هوایى برمواضع آنها بپردازد، این سؤال مطرح ميشود که طياره های بى پيلوت ایشان از کدام محل به پرواز خواهند آمد و شايد به دليلی طول مسافه از پایگاه امريکائى در خليج فارس این کار بسيار عملی نباشد، لذا امريکا ناگزير خواهد بود از يکى از پایگاه های هوایى پاکستان و يا يکى از کشورهاى آسیای میانه استفاده نماید. احتمال قوی وجود دارد که پاکستان دراین مورد بیشتر از ديگران آماده همکاری با امريکا باشد، زیرا با اينکار ميتواند هم نفوذ خود را در افغانستان زیرچترطالبان افزايش دهد و هم پای امريکا را زیر پای خود داشته باشد. همچنان استفاده از قوای هوایى بر علیه داعش، با پی آمد خطيری ديگر توأم خواهد بود، خاصتاً تلفات ملکی و انسانی که در نتیجه این حملات بر مردم عادى افغانستان به وجود می آید. علاوه بر این سؤال نیز مطرح ميشود که با تخریب و منفجر ساختن "لانه عقاب" يعنى مرکز استخباراتى امريکا در کابل و از هم پاشيدن حلقه اطلاعاتی آنها، چگونه امريکا از محلات اختفای داعش در دهات و قصبات افغانستان اطلاع دقيق حاصل خواهد کرد، مگر آنکه مرجع این معلومات يا آى اس آى پاکستان باشد و يا مراجع استخباراتى طالبان که در هر دو صورت اعتماد بر این دو منبع برای امريکا مسؤليت های جدی را حتى در سطح جهانی به همراه خواهد داشت.

(ادامه در قسمت بعدی)

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ